

۱ معرفی کتاب «فرنگیس»

وقتی یک دختر روستایی تاریخ را غافل گیر می کند



● عنوان: **فرنگیس**

● نویسنده: **مهناز فتاحی**

● ناشر: **انتشارات سوره مهر**

● تعداد صفحات: **۳۵۸**

● توضیحات:

«فرنگیس» فقط کتابی درباره جنگ نیست؛

کتابی درباره امید، خانواده، ایستادگی و انتخاب

است. نشان می‌دهد آدم‌های معمولی هم

می‌توانند کارهای غیرمعمولی انجام دهند.

قهرمان‌ها فقط لباس نظامی به تن ندارند یا کارهای هیجان‌انگیز انجام نمی‌دهند؛ یک دختر روستایی هم که نه آموزش نظامی دیده، نه فکر می‌کرده روزی نامش در کتاب‌ها ثبت شود، می‌تواند قهرمان شود. فقط وقتی خطر از راه می‌رسد، تصمیم می‌گیرد نترسد.

داستان کتاب

کتاب «فرنگیس» بر اساس خاطرات فرنگیس حیدرپور نوشته شده است. داستان زندگی زنی است که جنگ را نه از پشت پنجره، بلکه از میان کوه‌ها، دشت‌ها و خانه‌ای که هر لحظه ممکن بود ویران شود، تجربه کرده است. این کتاب فقط درباره یک حادثه مشهور نیست؛ درباره زندگی دختری است که سال‌ها پیش از جنگ، با سختی بزرگ شده بود و همین سختی‌ها از او انسانی مقاوم ساخته بود.

فرنگیس در روستاهای گیلان غرب به دنیا آمد؛ جایی که زندگی با کار، دامداری، کوه و طبیعت گره خورده بود. کودکی او مثل کودکی خیلی از بچه‌های امروز نبود. خبری از تلفن همراه، اینترنت یا حتی امکانات معمول شهری نبود. بچه‌ها خیلی زود کار کردن را یاد می‌گرفتند و زندگی برایشان از همان سال‌های اول، معنای تلاش و مسئولیت داشت. مهن‌افز فزاف، نویسنده کتاب، این روزهای ساده را با جزئیاتی روایت می‌کند که باعث می‌شود احساس کنیم ما هم در همان روستا زندگی می‌کردیم.

جنگ شروع می‌شود؛ جنگی که ناگهان همه‌چیز را تغییر می‌دهد. روستاها ناامن می‌شوند، خانواده‌ها آواره می‌شوند و ترس، مهمان همیشه مردم می‌شود؛ اما در دل همین روزهای تلخ، اتفاقی رخ می‌دهد که نام فرنگیس

را برای همیشه در تاریخ دفاع مقدس ماندگار می‌کند.
روزی که دو سرباز عراقی سر راه او قرار می‌گیرند،
فرنگیس نه اسلحه دارد و نه نیروی کمکی. تنها وسیله‌ای
که در دستش است، یک تبر است؛ همان ابزاری که برای
کارهای روزمره استفاده می‌شد، اما او تصمیم می‌گیرد
تسلیم نشود. با شجاعتی عجیب به مهاجمان حمله می‌کند،
یکی از آنها را از پا در می‌آورد و دیگری را اسیر می‌کند تا
بعداً به نیروهای ایرانی تحویل داده شود. این ماجرا واقعی
است؛ آن قدر واقعی که بعدها تندیس فرنگیس با تبر در
شهر گیلان غرب ساخته شد تا یادآور شجاعت او باشد.

مسیر قهرمان شدن

اگر فکر می‌کنی ارزش کتاب فقط به همین چند صفحه و
این ماجرا مربوط می‌شود، باید بگویم اشتباه می‌کنی.

اتفاق بزرگ کتاب این است که نشان می‌دهد قهرمان شدن، از سال‌ها قبل از آن لحظه تصمیم‌گیری شروع می‌شود؛ از روزهایی که آدم یاد می‌گیرد سختی را تحمل کند، مسئولیت‌پذیر باشد، خانواده‌اش را دوست داشته باشد و در برابر مشکلات عقب‌نشینی نکند. آن لحظه تاریخی فقط نتیجه همان سال‌های سخت بود.

یکی از ویژگی‌های جذاب «فرنگیس» این است که نویسنده تلاش نکرده از شخصیت اصلی یک ابرقهرمان بسازد. فرنگیس می‌ترسد، غصه می‌خورد، خسته می‌شود و بارها با مشکلاتی روبه‌رو می‌شود که شاید هرکدام برای شکستن یک انسان کافی باشد، اما هر بار دوباره بلند می‌شود. همین واقعی بودن شخصیت، باعث می‌شود راحت‌تر بتوانیم با او ارتباط برقرار کنیم.

چرا این کتاب را بخوانیم؟

زبان کتاب هم ساده، روان و صمیمی است. مهناز فتاحی که پیش از این هم در حوزه تاریخ شفاهی و خاطرات دفاع مقدس آثار موفقی نوشته، خاطرات را طوری تنظیم کرده که کتاب بیشتر شبیه یک رمان جذاب و پرکشش خوانده می‌شود. وقتی خواندنش را شروع کنی، سخت می‌توانی آن را کنار بگذاری؛ چون مدام می‌خواهی بدانی بعد چه اتفاقی می‌افتد.

«فرنگیس» فقط کتابی درباره جنگ نیست؛ کتابی درباره امید، خانواده، ایستادگی و انتخاب است. نشان می‌دهد آدم‌های معمولی هم می‌توانند کارهای غیرمعمولی انجام دهند. شاید مهم‌ترین مطلبی که بعد از خواندن «فرنگیس» در ذهن بماند، این باشد که قهرمان بودن

همیشه به قدرت بدنی یا داشتن تجهیزات وابسته نیست. گاهی قهرمان کسی است که در لحظه‌ای که همه عقب می‌روند، یک قدم جلو می‌گذارد. فرنگیس حیدرپور دقیقاً چنین کسی بود؛ دختری از دل یک روستای مرزی که با شجاعتش ثابت کرد تاریخ را فقط فرماندهان و سیاستمداران نمی‌سازند؛ گاهی دختری روستایی با یک تبر می‌تواند نامش را در تاریخ وطن ماندگار کند.

برشی از متن کتاب

صدای قدم‌ها نزدیک‌تر می‌شود. فرنگیس تنهاست؛ نه اسلحه‌ای دارد و نه راه فراری. دستش به دسته تبر می‌رسد؛ همان تبری که تا چند لحظه پیش فقط ابزار کار بود. حالا باید میان ترس و مقاومت یکی را انتخاب کند. چند ثانیه بعد، ورق برمی‌گردد؛ یکی از سربازان دشمن بر زمین افتاد

و دیگری اسیر دختري شده كه هيچ كس تصور نمي كند
روزي به يكي از نمادهاي مقاومت تبديل شود.